

زن، زندگی و توحش

کاهش سن تن فروشی در ایران رییس انجمن جامعه شناسی ایران می گوید در حال حاضر سن "روسی" گری" در ایران حدود ۸-۱۰ سال کاهش یافته و از سن ۲۰ تا ۳۰ سال به ۱۲ تا ۱۸ سال رسیده است.

او البته این کاهش سن را مربوط به افزایش برخی آسیب های اجتماعی نظیر افزایش طلاق، تنوع طلبی مرد ها، عدم امکان ازدواج، اعتیاد، بیکاری و می داند.

حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه برای زنان بدحجاب فارس: طبق قانون مجازات اسلامی، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد؛ اما باید از مسئولان این سوال را پرسید که تاکنون چه میزان به این قانون عمل شده است.

بازداشت "دختران نیمه‌عریان مست رقص"، توسط سپاه این افراد که همگی شرب خمر کرده و حالت غیرعادی داشتند با مشاهده ماموران با آنان درگیر و اقدام به فحاشی کردند. برخی از آنان نیز اقدام به پرتاب و دورکردن مشروبات الکلی خارجی و ادوات و آلات جرم به منازل و ویلاهای همجوار کردند و مانع ورود ماموران می شدند که

توسط ماموران دستگیر و پس از تفهیم اتهام و ثبت اسامی و تنظیم صورتجلسه به همراه ارقام و آلات مکشوفه به کلانتری ایزدشهر نور منتقل شدند.

عضو مجلس خبرگان رهبری از استان تهران گفت: برخی از افراد، اغراض سیاسی داشته و از طریق بدحجابی می‌خواهند با حاکمیت مقابله کنند؛ نیروی انتظامی باید با این افراد برخورد کند.

جوادی آملی: "مخالفت با تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها، مخالفت با مباحث دینی است"

در نظرخواهی از کارشناسان مسایل جنسیتی در مورد وضعیت زنان در کشورهای مختلف، افغانستان به عنوان "خطرناکترین محل جهان برای زن بودن" معرفی شده است.

یک روز پس از آنکه رئیس جمهور افغانستان از مذاکره ایالات متحده با طالبان خبر داد، رابرت گیتس با تایید این خبر گفت این گفت‌وگوها در مراحل مقدماتی قرار دارد.*

این جهان سرمایه و دنیائی است که بخشا مذهب حاکم آن است. تنها گوشه ای از جهان معاصر. آمریکا و طالبان؛ عربستان و جدال بر سر رانندگی زنان و گردن زدن زنان. جمهوری اسلامی و یک ماشین کشتار دولتی علیه زنان. باید این دنیای نابرابر را تغییر داد.*

زنان مشت به آسمان می کوبند

در بخش اول این گفتگو که در شماره ۲۹ نشریه علیه تبعیض به چاپ رسیده است به جایگاه زن در جامعه و برخورد اسلامی ها و جمهوری اسلامی به زنان پرداختیم. در این بخش جدال جنبش های اجتماعی متفاوت هم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه به سازمان یابی و مبارزه سازمان یافته جنبش زنان می پردازیم.

بخش دوم و پایانی

گفتگوی سیما بهاری با مینا احدی در تلویزیون کانال جدید

سیما بهاری: تا اینجا بحث به موقعیت زنان در ایران صحبت کردیم و تلاش کردیم جنبش های مختلف در جنبش زنان را به صورت مختصر هم که شده مورد نقد و بررسی قرار بدهیم. اما در ادامه مبارزات زنان را مورد بحث قرار می دهیم.

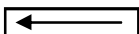
یک جنبه از صحبت های ما و خود شما که در همین گفتگو هم چندین بار به آن اشاره شده است مسئله حجاب است. چرا حجاب این جایگاه را برای جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی دارد و چرا برای همه تا این حد مهم است چون بخشا این جایگاه مهم را به مسئله حجاب آنطور که شما مطرح می کنید نمی دهند؟

مینا احدی: برای زن ایرانی که حجاب را دیده است میدانند این رژیم است که حجاب را مهم کرده است. وقتی رژیم سر کار آمد اولین فرمایش در باره

از سایت نشریه علیه تبعیض دیدن کنید. همه شماره های علیه تبعیض را می توانید در سایت مشاهده کنید. نشریه علیه تبعیض صدای زنانی است که قوانین اسلامی زندگی شان را تباہ کرده است. صدای زنانی که می خواهند با رژیم اسلامی مبارزه کنند.

آدرس سایت:

www.equal-rights-now.com/00AT/AT-index.htm



ادامه از صفحه اول

حجاب بود. و طی این سه دهه اخیر هر وقت خواستند که به جامعه حمله کنند، سوت زدند و ارادل و اوباش خودشان را به خیابان ریختند و به زنان حمله کردند. یکی از موضوعات بسیار مهم رادیو و تلویزیون رژیم و آخوند ها و همه لمپن هائی که در ایران سر کار هستند همیشه بحث حجاب بوده است. سؤال من از آنها که می گویند مسئله حجاب این جایگاه را ندارد که ما مطرح می کنیم این است که چرا دائما و بی وقفه رژیم در باره حجاب حرف می زند و فتوا می دهد و نیرو بسیج می کند؟ جواب من این است که از روز اول حجاب سمبل جنبش اسلامی و سمبل تحمیل قوانین اسلامی بود. همه دیگر می دانند. زن به اصطلاح عادی که در ایران زندگی می کند، - نه زنی که همه تلاشش دفاع از اسلام و به نوعی دفاع از جمهوری اسلامی است - زن "عادی"، جوان و دانشجو و کارمند و همه زنان که در ایران زندگی می کنند میدانند حجاب مهم است چون میدانند حجاب بیرق یا پرچم جمهوری اسلامی است.

تا جایی هم که به مبارزات زنان بر می گردد در این مورد هم جدال هست. کدام مبارزه؟ بطور مثال کمپین یک میلیون امضا مدتی است شروع شده و من به آدم های بعضا خوبی هم که فعالش هستند کاری ندارم که در این حرکت سهیم شدند اما اصل و رهبران این حرکت همان کسانی هستند که مورد نقد من هستند. یعنی آنهایی که منتهای زیاد سوکت کردند و گفتند حجاب مهم نیست و خاتمی خوب است و تلاش می کنند مدال جنبش زنان را به سینه خودشان بزنند و می گویند از زمانی که آنها وارد میدان شدند زنان هم مبارزه شان را شروع کردند. اما من می گویم از وقتی که خمینی آن فرمان کثیف اش را علیه زنان صادر کرد، زنان در ۸ مارس (۱۷ اسفند) سال ۱۳۵۷ علیه حجاب اجباری و اسلامی به خیابان آمدند. نطفه جنبش زنانی که در مورد آن حرف می زنیم آنجا بسته شد. نه فقط این، بلکه در خانه و خیابان و دانشگاه و بیمارستانها که زنان کار می کردند، همه جا مبارزه بود. پس اگر از من راجع به مبارزات زنان می پرسید می گویم این مبارزات میلیونی و گسترده است و از روز اول سر کار آمدن رژیم اسلامی شروع شده است و یکی از

مهم ترین سنگرها در امر مبارزه با جمهوری اسلامی است. سؤال این است که چرا در ایران یا افغانستان زنان که مقداری حجابشان را عقب می کشند احساس غرور می کنند؟ بنظر من برای اینکه دارند از حق خودشان دفاع می کنند. به این ترتیب نه فقط از حجاب که از حق طلاق خود و تصمیم گیری در باره زندگی خود و بچه اش و از حق انسان بودن خودش دارد دفاع می کند. بعد از ۳۰ سال اگر قرار است درسی در دنیا گرفته شود این است که حجاب و مبارزه با حجاب مهم است.

سایما بهاری: ما در همین گفتگو مختصرا به مسئله ناموس پرداختیم. اما این کلمه خیلی در جامعه تکرار می شود. ناموس جامعه و ناموس مردم و اینکه ما از ناموس مان دفاع می کنیم. یا ما بی غیرت نیستیم. اگر لازم میدانید بیشتر توضیح بدهید.

مینا احدی: بنظر من این مسئله بسیار مهمی است. و هر چه در این مورد حرف بزنیم کم حرف زدیم. چون اینطور نیست که فقط جمهوری اسلامی چنین فکر و عمل می کند. بطور اتوماتیک این موضوع وارد فرهنگ مردم شده است. خصوصا آن جنبش اسلامی که داریم درباره اش صحبت می کنیم، از آل احمد گرفته تا امروز و آنهایی که مدال "روشنفکر" هم به سینه دارند از این یک تک کلمه مثل نقل و نبات دارند استفاده می کنند. اما نسل دیگری دارد علیه این تابو مبارزه می کند اما با در نظر گرفتن ابعاد نفوذ این ضد فرهنگ و ضد ارزش انسانی هنوز خیلی کم در این باره صحبت شده است. من فکر می کنم از کلمه ناموس خون می چکد. این کلمه را جلوی چشم هر زنی که در ایران و افغانستان و عراق زندگی می کند بگیرید وحشت می کند. ما باید با صدای بلند این تابوی ارتجاعی را بشکنیم و اعلام کنیم زنان ناموس کسی نیستند و بروید این بساط را جمع کنید. وقتی به زن می گوئید ناموس من یعنی فردا می توانی آن زن را بکشی. اگر رابطه خارج از ازدواج داشت می توانی سنگسارش کنی. همه این جنایات از این کلمه مخوف بیرون می آید. قتل ناموسی نه فقط در ایران که در قلب اروپا هم عمدتا توسط عاملین همین فرهنگ ناموس پرستی و اسلامی اتفاق می افتد. و همه این ها به این مربوط است که زن را انسان حساب نمی کنند. ناموس مرد

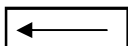
حسابش می کنند که اگر تخطی کرد، اگر دختری دوست پسر داشت پدر یا بردارش می تواند او را بکشد. همه اینها از این فرهنگ عثب مانده در می آید و من طرفدار افراطی و شدید این موضوع هستم که ارتجاع نقد بشود و با صدای بلند علیه آن حرف زده بشود و من هورا می کشم برای زنان و دخترانی که اعلام می کنند من ناموس کسی نیستم.

سایما بهاری: یک بخش از مبارزه جامعه و زنان مبارزه علیه جداسازی جنسیتی یا همان آپارتاید جنسی است. این مبارزه را چطور می بینید و جایگاه آن را چگونه

ارزیابی می کنید؟

مینا احدی: آپارتاید همانی است که بطور مثال در آفریقای جنوبی شاهد آن بودیم. سیاهان در آن کشور از همه حقوق انسانی خود محروم بودند و بطور مثال اجازه ورود به رستوران ها و پارک ها نئی که محل رفت و آمد سفید پوستان بود را نداشتند. و بر سر در رستورانها و ... نوشته شده بود ورود سیاهان ممنوع. کلمه آپارتاید به معنی جدا سازی که در ایران بکار می گیریم. درباره جداسازی جنسیتی بین زن و مرد است. زنان بخاطر جنسیت شان در ایران از همه حقوق خود محروم اند و ما از این کلمه که در فرهنگ سیاست در ایران وارد شده استفاده می کنیم و می گوئیم این آپارتاید جنسیتی باید لغو بشود. خوشبختانه در ایران مبارزات زیادی علیه این آپارتاید جنسیتی بوده است و خوشبختانه پسر های جوان هم فعالانه در این مبارزه شرکت کرده اند. وقتی رژیم از جدا سازی کلاس ها در دانشگاه ها صحبت می کند صف بزرگی از دانشجویان علیه این عمل جمهوری اسلامی دست به مبارزه می زنند.

یک بحث دیگر که اینجا مطرح است و من می خواهم به آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی ربط اش بدهم این است که دنیا حکومت آپارتاید نژادی را تحریم کرد. در دنیا بسیاری از مردم به خیابان آمدند و به دولت ها گفتند خجالت بکشید که بخاطر زنگ پوست دارید حق این انسانها را زیر پا می گذارید. ما هم داریم مردم انسان





دوست دنیا را فرا می خوانیم تا به دولت ها فشار بیاورند که این رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر تبعیض علیه زنان مورد تحریم قرار بدهند. باید این رژیم مورد تحریم دیپلماتیک قرار بگیرد و سفارت خانه هایش تعطیل بشود.

سیما بهاری: باز از مبارزات زنان در ایران صحبت کردید و اشاره کردید که نسل جوان- نسل فیس بوک و تویتر و اینترنت - دارد مبارزه می کند. این مبارزات را چگونه می شود متحد کرد؟

مینا احدی: فکر می کنم امکانات بسیاری خوبی فراهم است. دقیقا بخاطر امکان ارتباط. فکر کنید دورانی که بطور مثال من فعالیت سیاسی را شروع کردم، تا مقاله ای می نوشتی و چاپ و پخش می کردی و در آن شرایط باید به تک تک خانه ها اعلامیه می انداختیم و طبعا جان مان هم به مراتب بیشتر در خطر بود. میدانید برای همین کار ها جمهوری اسلامی وقتی کسی را می گرفت اعدام می کرد. حالا وقتی اطلاعیه ای نوشتی از خانه ات در کمتر از سه دقیقه در همه دنیا به اطلاع همه مردم می رسانی. به یک معنا در حال حاضر امکان ارتباط خیلی زیاد شده است. من فکر می کنم اگر این گرد و غبار فکری که می گوید اسلام خوب است و هنوز می شود جمهوری اسلامی را حفظ کرد و می شود قانون اساسی اش را اصلاح کرد را کنار بگذاریم، ما نسلی را می بینیم که جوان و مدعی است. این نسل آزادی و برابری می خواهد و امکانات هم دارد. بنابر این می شود ارتباط گرفت و بحث کرد و سازمان داد. می شود یک روز سوت زد و گفت می رویم به خیابان که فقط علیه حجاب اعتراض کنیم. یا می رویم که از حق و حقوق زنان دفاع کنیم و خیلی هم دارند دفاع می کنند. به نظر من حالا ایران شرایطی دارد که سازما نها و تشکل هائی در ایران درست بشود که اعلام کنند مشخصا داریم از حق زنان دفاع می کنیم. از برابری زن و مرد و علیه حجاب هستیم و همه این امکانات وجود دارد و من فراخوانم خصوصا به دختران و زنان جوان این است که از این امکانات استفاده کرده و خودتان را متحد کنید. حتی اگر فردا جمهوری اسلامی هم سرنگون بشود اینطور نیست که صد در صد حقوق زنان به رسمیت شناخته بشود. همان موقع هم تعدادی پیدا می شوند که بگویند ما قیم زنان

هستیم و زنان نمی توانند تصمیم بگیرند و ما برای زنان تصمیم خواهیم گرفت و زنان "احساساتی" اند و ... برای اینکه علیه همین ها ایستادگی بشود باید متحد و متشکل شد و آگاه بود. امکانات به نظر من موجود هست و می شود این امکانات را سازمان داد.

سیما بهاری: یک جنبه از کار شما این است که در خارج از ایران مبارات متنوعی را به پیش می برید. اتفاق می افتد که با مقامات دولت ها گفتگو می کنید و به پارلمان های مختلف می روید و از موقعیت زنان حرف می زنید و غیره. جایگاه این نوع فعالیت نزد شما چیست؟

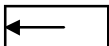
مینا احدی: این بسیار مهم است. از روزی که این رژیم سر کار آمد و من که از سال ۱۹۹۰ (۱۳۷۱) که در خارج کشور هستم در کنفرانس های مختلفی شرکت کردم. از کنفرانس جهانی در پکن که ۳۰ هزار زن در آن کنفرانس حضور داشتند و البته چادر مقله ای های جمهوری اسلامی هم در آنجا بودند و من در کنفرانس دولتها علیه حجاب سخنرانی کردم و آنوقت گفتم که زن ایرانی اینها را قبول ندارد. یادم هست که از همان موقع یک جبهه ای علیه حجاب و علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کردند. تصویری که آن وقت از خودم داشتم این بود که من دارم زنان ایرانی را نمایندگی می کنم که امکان این را ندارند در این کنفرانس شرکت کنند و حرف دل شان را بزنند. به یک صدای آزاد خواهی و برابری طلبی و صدای زنانی که در دادگاه های اسلامی تو سرشان می زدند و می گفتند تکه نانی و بگیر و تنت را در اختیار مرد بگذار (اشاره به این است زنی که می خواهد طلاق بگیرد "آخوند مرتجع" می گوید اگر شوهر خرجت را می کشد تو حق طلاق نداری) اما حالا دنیا خیلی متفاوت شده است. این دنیا فعلی به هم وصل است و آنهایی که در ایران امکان این را ندارند که صدایشان مستقیم در خارج شنیده شود، ما صدای آنها باشیم. البته یک مانع این است که ما در ایران با زنانی روبرو نیستیم که تمام قامت بلند شوند و جلوی صف بایستند و از حقوق زن دفاع کنند و به این اعتبار با دنیا حرف بزنند و جنبش برابری طلبی زن در ایران را نمایندگی کنند. به این ترتیب از این زاویه هم که بنگریم شرکت کردن در مجامع بین المللی و منعکس کردند مبارزات زنان بسیار مهم است.

سیما بهاری: یک جنبه مهم دیگر از کار شما مبارزه علیه سنگسار است چقدر می شود این را به جنبش زنان یا مبارزات اللعموم مردم ربط داد؟

مینا احدی: صد در صد ربط دارد. از نظر من حجاب بیرق جمهوری اسلامی و سنگسار پاسخ جمهوری اسلامی به زنی که سنت می شکنند. گفتن اینکه حالا تعدادی زن را سنگسار کردن آنقدر اساسی و مهم نیست و زنان ایران مشکلات مهم تری دارند، ندیدن و انکار کردن مشکل است. خمینی جلاد آمد و گفت حجاب سرتان می کنم و بعد با سنگسارش گفت اگر قبول نکنی و به موقعیتی که من می گویم تن ندهی می برم و زنده بگورت می کنم. گفت در

تلویزیون خودم جار می زدم و یک عده را می آورم و سنگ می زدم و تو را می کشم. این پاسخ رژیم به عصیان مردم در آن جامعه بود. اصلا اینطور نیست که یک زن رابطه خارج از ازدواج دارد و در این فرهنگ خیلی ها قبول می کنند و می گویند بله به شوهرش خیانت کرده و می شود مجازاتش کرد. حتی همین به اصطلاح فمینیست اسلامی ها که من حالم از اینها بهم می خورد که می گویند "مجازات" این زن باید این حد باشد نه آن حد. چیزی که من دارم از آن دفاع می کنم این است که زن و مرد آزادانه بتوانند عشق بورزند و خودشان در رابطه با زندگی خود تصمیم بگیرند. تا جایی که به سنگسار بر می گردد باید اضافه کنم که یک وسیله بسیار مهم برای ترساندن جامعه بود و هست. با این توضیحات می خواهم باز هم تاکید کنم که مبارزه علیه سنگسار بسیار مهم است. من کسی هستم که سال های سال از عمرم را علیه این عمل شنیع اسلامی گذاشتم. میدانید که خیلی ها علیه سنگسار سکوت کردند و خیلی ها هم این عمل ضد انسانی و این جنایت را توجیه کردند. اما با پرونده سکینه محمدی آشتیانی دنیا توجه اش به این مسئله جلب شد. بنظر من مبارزه با سنگسار یک مبارزه بسیار مهم با اسلام سیاسی است.

سیما بهاری: از نظر شما چه جنبه ای از مبارزه مهم است. سنت شکنی، یا در افتادن با قوانین؟



شاهزاده خانم های اسلامی

سهیلا شریفی

شاهزاده عادلہ دختر پادشاه عربستان اخیرا بدون روبنده و نقاب که حجاب رسمی و سنتی در عربستان است در اماکن عمومی و رسانه ها ظاهر شده است و از رانندگی زنان و اختلاط زن و مرد (البته با حفظ احترام متقابل به جنس مخالف!) دفاع کرده است. این حرکت ظاهرا اقدام بدیع و شجاعانه ای محسوب می شود چرا که در کشوری با قوانین چنین عقب مانده و ارتجاعی که زن تا بحال در آن انسان بحساب نمی آمده اینکه الان زنان به خود جرات می دهند و برخلاف قانون رانندگی می کنند و فیلم رانندگیشان را هم روی سایتها می گذارند بسیار رادیکال و بدیع است و این شاهزاده خانم هم ناچار است از جنبش به حق زنان عقب نماند. در حالیکه زنان

را در رتبه ۱۳۰ از نظر بی حقوقی زن قرار داده است. عربستان تنها کشور دنیاست که در آن زنان حق رانندگی ندارند و حتی برای معالجه پزشکی هم زن باید اجازه رسمی شوهر و یا مرد سرپرستش را داشته باشد و گرنه دکترها او را معالجه نخواهند کرد. صرف نظر از اینکه سنشان چقدر است همه زنان در عربستان باید قیم و سرپرست مرد داشته باشند و نباید بدون همراهی مرد در اماکن عمومی ظاهر شوند.



بخاطر رانندگی در عربستان دستگیر و زندانی می شوند و زنانیکه در وبلاگهایشان از حقوق زن صحبت می کنند تهدید به قتل می شوند، ایشان هم از فضای اعتراضی موجود و مخصوصا فضای اعتراضات منطقه و همچنین از موقعیت نسبتا تضمین شده خود ش بعنوان شاهزاده استفاده کرده که فضای جهمی موجود در کشورش را تا حدی برای زنان قابل تحمل تر کند.

گزارش فورم جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۹ از میان ۱۳۴ کشور دنیا عربستانین



خانم الشریف و دوستانش توانسته اند با استفاده از فیس بوک و سایتهای دیگرا اینترنتی و در بحبوحه انقلابات و اعتراضات

منطقه یک شبکه از فعالین حقوق زن را سازمان دهند که خواسته هائی مانند رانندگی کردن زنان و غیره را بطور فعالانه ای مطرح و پیگیری می کنند و بنظر می رسد که تاکنون دستاوردهائی هم داشته اند. اینکه دختر پادشاه بدون روبنده ظاهر می شود یک نمونه از این دستاوردهاست. همچنین شواهد نشان می دهد که بزودی پادشاه عربستان با حق رندگی زنان توافق کند.

رسیدن به این خواسته ها البته شورانگیز است اما اصلا کافی نیست. زنان عربستان هم مانند زنان منطقه از دست اسلام و قوانین ارتجاعی آن به تنگ آمده اند و عزم جزم کرده اند که از شر این قوانین و دولت‌های مرتجع رها شوند. انقلابات در منطقه به زنان توان و جسارت و ارتجاع را مرعوب و منکوب کرده است. مرتجع های اسلامی می خواهند با کمترین عقب نشینی "اصلاحاتی" انجام بدهند تا سیل انقلابات آنها را با خود نبرد. شاهزاده خانم های اسلامی در عمارات اسلامی سد ناچیزی در مقابل زنانی هستند که رهائی میخواهند.*

منال الشریف یک زن ۳۲ ساله عربستانی و مشاور اینترنتی یک کمپانی بزرگ نفتی است. او مدتی پیش ویبونی از خودش در حال رانندگی روی یوتیوب گذاشته بود که موجب سر و صدا و حتی دستگیری او شد. او به سی ان ان گفته است آخرین تلنگر روزی بود که ناچار بودم سریعا خودم را به خانه و پسر کوچکم برسانم و کسی را پیدا نمی کردم که دنبالم بیاید. من یک زن بزرگسال هستم ولی مانند یک کودک خردسال در خیابان گریه می کردم چون کسی را پیدا نمی کردم بیاید و مرا به خانه ببرد.

یک زن اندونزیایی امروز در عربستان سعودی با شمشیر گردن زده شد. به گفته وزارت کشور عربستان، وی یک زن سعودی را کشته بود. عربستان سعودی در سال جاری میلادی ۲۷ نفر را گردن زده است. سازمان عفو بین الملل، هفته گذشته از عربستان خواسته بود به مجازات اعدام پایان دهد.

مذهب سم بشریت و مذهب در قدرت ماشین کشتار است!

ادامه گفتگو با مینا احدی

مینا احدی: بسیار شاهد هستیم که می گویند مقصر زنان هستند. خیلی وقت ها با همین فمینیست اسلامی ها در کنفرانس های مختلف در افتادم که می گویند باید به مردم آموزش داده شود. انگار تقصیر آن آدم مشخص است که آن ظلم در حق اش روا داشته می شود. بنظر من در افتادن با قانون و دولت مهم است و باید با جمهوری اسلامی مستقیما در افتاد و سرنگونش کرد.

بعد از سرنگونی جمهورس اسلامی هم اینها مهم اند قوانین برابری طلبانه باید باشد و دولت باید از حق زنان دفاع کند و در عین حال تابو شکستن و تغییر فرهنگ حاکم مهم است و متشکل شدن خود زنان هم مهم است. فرهنگ مرد سالارانه در ایران ریشه دارد و تضمینی نیست که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی خود بخود این فرهنگ عقب رانده شود. برای اجرا قوانین مترقی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی هم باید متشکل باشیم و از حق

سیمای بهاری: متشکریم که دعوت ما را پذیرفتید و در این برنامه شرکت کردید

مینا احدی: خیلی ممنون ***